



سومین همایش ملی
بانو حضرت زهرا سلام
بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC
Islamic World Science Citation Center

CIVILICA

SID

ابعاد تحریف شده شخصیت و سیره حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

سمیه سپهری^۱طیبه جهان تاب^۲

چکیده

با گذشت زمان از زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و عدم موافقت جامعه آن زمان نسبت به پذیرفتن اسلام راستین و مسلمان شدن ایشان، مخالفان برای مقابله با اسلام اقداماتی انجام داده اند و از هیچ کوششی دریغ نکرده اند. از جمله اقدامات آنها، تحریف شخصیت های مهم و تأثیرگذار صدر اسلام مانند حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بود؛ چراکه یکی از کارسازترین راه ها برای از بین بردن آثار افراد تأثیرگذار در اسلام، تحریف زندگی آنهاست. بنابراین لازم است با این گونه اقدامات دشمنان، مقابله کرد و نقشه های آنها را خنثی کرد. این کار زمانی اتفاق می افتد که نسبت به تحریفات انجام شده، آگاهی لازم صورت بگیرد. در این راستا پژوهش پیش رو به روش توصیفی، ابعاد تحریف شده شخصیت و سیره حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را بررسی کرده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که تاریخ زندگی ایشان در چند بعد دچار تحریف شده است، از جمله: سن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر اکرم، ازدواج با دو کافر، ثروت، اسلام آوردن و جایگاه و مقام.

واژگان کلیدی: تحریف، شخصیت، سیره، حضرت خدیجه.

^۱. سطح سه، مؤسسه آموزش عالی امام حسین (علیه السلام)، s.sepehri1362@gmail.com

^۲. سطح سه، مؤسسه آموزش عالی امام حسین (علیه السلام)، jahantabtaebah@gmail.com

مقدمه

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به گواهی روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام)، از جایگاه رفیعی نزد خداوند و معصومین (علیهم السلام) برخوردار بودند. ایشان محبوبه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) بودند. تا زمانی که خدیجه (سلام الله علیها) زنده بودند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با فرد دیگری ازدواج نکردند. بعد از رحلت شهادت‌گونه ایشان، پیامبر همیشه از آن بانوی نمونه به نیکی یاد می‌کردند. ام‌المؤمنین حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از یک سو نقش زیادی در تثبیت رسالت و پیشبرد اسلام داشتند. از سوی دیگر ائمه (علیهم السلام) به دلیل انتساب به ایشان، افتخار می‌کردند و موجب سرفرازی ائمه در برابر دشمنان بودند. لذا دشمنان اسلام و بدخواهان آن بانوی بی‌بدیل، با تحریف تاریخ زندگی ایشان، سعی در کم ارزش کردن ایشان نزد مسلمانان داشتند. این پژوهش درصدد آن است که شبهات و تحریفات ایجاد شده در شخصیت و سیره حضرت خدیجه را پاسخ بدهد؛ تحریفاتی درباره سن، ازدواج، ثروت، فرزندان، جایگاه و مقام و اسلام آوردن ایشان در تاریخ مطرح شده است.

کتاب‌هایی درباره تحریف زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نوشته شده است از جمله کتاب «تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری (علیها السلام)» نوشته مهدی آقابابایی که در سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. این کتاب به بعضی از شبهات پاسخ داده است. همچنین کتاب «سیری در زندگانی ام‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)» از همین نویسنده در سال ۱۳۸۸، بعضی شبهات را پاسخ داده است. اما در این مقاله به صورت اختصاصی شبهات مطرح شده در زندگی این بانو را پاسخ داده است.

ابعاد تحریف‌شده شخصیت و سیره حضرت خدیجه (سلام الله علیها):

۱. سن

بر اساس روایات وارده، اختلاف نظرهایی درباره سن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله) وجود دارد از جمله: ۲۵ سال (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۲)، ۲۸ سال (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۲۰۰)، ۳۵ سال (ابن هشام، بیروت، ج ۱، ص ۲۶۵)، ۴۰ سال (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۱۷۴)؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳)، ۴۴ و ۴۵ سال (ابن منظور، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۴) و ۴۶ سال (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۹۸). اما روایت‌های معتبرتری نشان می‌دهد که ایشان تقریباً هم‌سن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند و در زمان ازدواج مانند آن حضرت، حدود ۲۵ سال داشتند. بنابراین بعضی از علمای بزرگ شیعه مانند علامه جعفر عاملی این نقل را پذیرفته‌اند و اعتقاد دارند که سن حضرت خدیجه هنگامی که با رسول خدا پیوند ازدواج بستند، بیشتر از ۲۵ یا ۲۶ سال نبود و حتی قبل از آن هم هیچ ازدواج دیگری نداشته‌اند (عاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۴).

این نظر به ضمیمه دیدگاه برخی علمای شیعه که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را هنگام ازدواج با پیامبر، عذراء (دوشیزه) دانسته‌اند (ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۵۹) تقویت می‌شود؛ زیرا بعید به نظر می‌رسد زنی همچون خدیجه (سلام الله علیها) با مقام و مکنت خود در قریش تا ۴۰ سالگی ازدواج نکرده باشد. با توجه به مجموع این دلایل سن خدیجه (سلام الله علیها) هنگام ازدواج با پیامبر ۲۵ یا ۲۸ سال بوده است.

۲. ازدواج

بعد دیگر تحریف سیره حضرت خدیجه این است که می‌گویند: خدیجه، پیش از ازدواج با پیامبر اسلام، دو بار ازدواج کرده است و از آن همسران، صاحب فرزندان شده بود که در شمار (۳ یا ۴ فرزند) و نام آن‌ها اختلاف است. معروف‌ترین فرزند او از این ازدواج‌ها، هند بن ابی‌هاله بود که خدیجه را به سبب او «ام‌هند» می‌خواندند. هند نیز مسلمان شد و در جنگ بدر یا احد حضور یافت و نیز در جنگ جمل در رکاب علی (علیه السلام) بود که به شهادت رسید. با این همه، بعضی از علمای شیعه آورده‌اند که خدیجه موقع ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دوشیزه بود و کسانی که به عنوان فرزندان او از دو همسر قبلی‌اش نام‌بردار شده‌اند، خواهرزاده‌هایش بوده‌اند که تحت سرپرستی مالی و عاطفی او قرار داشتند (نک: ابن شهر آشوب، ۱ / ۱۵۹؛ عاملی، ۸۵-۸۷).

از طرفی دیگر بیوه‌بودن ایشان، تهمتی نارواست؛ چراکه با واقعیت زندگی ام المؤمنین (سلام الله علیها) فاصله بسیاری دارد زیرا اولاً این نسبت با عقاید مذهب حقه شیعه ناسازگاری و منافات دارد؛ ثانیاً این مطلب از لحاظ تاریخی نیز فاقد وجهت و اعتبار کافی است که تفصیل این دو گزینه در ادامه بیان می‌شود:

الف) ناسازگاری با مبانی اعتقادی مکتب تشیع

یکی از ضروریات اعتقادی مذهب شیعه، عصمت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت ایشان، یعنی حضرت زهرا (سلام الله علیها) و ائمه هدی است. معنای اولیه‌ای که از کلمه عصمت در ذهن وارد می‌شود، دوری از گناه و اشتباه و فکر گناه است. اگرچه این معنا درست بوده و مطابق با موازین اعتقادی است، اما در برگیرنده تمام مفهوم واژه عصمت نیست. کاملترین معنای عصمت در قرآن مجید، در آیه تطهیر وارد شده است (احزاب: ۳۳). خداوند در این آیه اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را مبرا از هرگونه ناپاکی و پلیدی و دارای مقام تطهیر دائمی معرفی کرده است.

با توجه به این آیه، عصمت از گناه و فکر آن، در برگیرنده قسمتی از معنای آیه تطهیر است، اما این آیه نوعی دیگر از عصمت را نیز متوجه این بزرگواران می‌کند که اغلب در بیان معنای عصمت به دست فراموشی سپرده می‌شود. عصمت عبارت است از دوری هرگونه ناپاکی. این ناپاکی دارای مصادیق بسیاری است که یکی از آن مصادیق، آلودگی آباء و اجداد معصومین (علیهم السلام) به انجاس زمان جاهلیت است که در این

آیه به طور کلی این مسئله نفی شده است. مؤید ما در این مدعی عباراتی است که در غالب زیارت نامه های وارده از معصومین آمده است: «كنت نوراً فی اصلاب الشامخه و الارحام المطهره لم تنجسک الجاهلیه بانجاسها؛ شما نوری بودید در صلب های مردان بلندمرتبه و در رحم های زنان پاک که جاهلیت، شما را با آلودگی های خود نیالود» (زیارت اربعین امام حسین علیه السلام)

پس با این توضیحات، اینکه ام المؤمنین (سلام الله علیها) قبل از ازدواج با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با دو کافر بت پرست به نام های عتیق بن عائذ مخزومی و ابوهاله ازدواج کرده و از آنان صاحب اولاد شده باشند، رد می شود؛ زیرا این مطلب درست بر خلاف مبانی اعتقادی شیعه است؛ چراکه ازدواج ایشان با دو کافر بت پرست، ایشان را از دایره طهارت خارج کرده و قابلیت مادری برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) و ائمه هدی (علیهم السلام) را از ایشان سلب می کند.

همچنین اینکه ام المؤمنین (سلام الله علیها) موحد و تابع شریعت ابراهیمی بوده اند. طبق شریعت های توحیدی، ازدواج موحد با کافر و مشرک حرام است و اگر بر خلاف دستور دین، چنین ازدواجی صورت بگیرد، باطل محسوب می شود. با این حساب ازدواج ام المؤمنین (سلام الله علیها) با عتیق و ابوهاله که دو کافر بت پرست بوده اند، از لحاظ دینی حرام است و در صورت وقوع آن، این ازدواج شرعی نبوده، بلکه امری غیر شرعی محسوب می شده است که این خود، نافی پاکی و طهارت است.

حال در اینجا افرادی که با توجه به تاریخ محرف، ازدواج های ام المؤمنین (سلام الله علیها) با عتیق و ابوهاله را مورد تأیید قرار می دهند، مقابل دو قضیه متناقض قرار می گیرند؛ اول ادعای تاریخ مبنی بر ازدواج ام المؤمنین با دو کافر است که با قبول آن باید معتقد به خروج ایشان از طهارت و عدم قابلیت برای مادری معصومین باشند. حال آن که ایشان در واقع مادر این بزرگواران هستند. همچنین اصل عصمت که از ضروریات دین است، زیر پا گذاشته می شود (تهرانی، ۱۳۹۵، ص ۳۰-۳۴).

ب) خدشه دار بودن این مسئله از لحاظ تاریخی

ازدواج حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با دو کافر بت پرست، مسئله ای صرفاً تاریخی است که به خودی خود دارای هیچ گونه اعتبار و حجیت شرعی نیست؛ یعنی نه در کتاب خدا و نه در سنت نبی اکرم و ائمه هدی برای آن مؤیدی یافت نمی شود که به واسطه آن دارای اعتبار و حجیت بشود. خصوصاً اینکه تاریخ صدر اسلام مملو از تحریف است که با توجه به این مطلب، دیگر هیچ وجه عقلایی برای اتکاء به آن تاریخ محرف یافت نمی شود.

بنابراین اعتقاد داشتن به ازدواج ام المؤمنین (سلام الله علیها) با دو کافر در زمان جاهلیت، مغایر با اصول اعتقادی دین مبین اسلام است و هیچ تردیدی در بطلان آن نباید داشت، اما اشاره به این مطلب نیز زیباست

که منابع اولیه‌ای که این ادعا از آنان صادر شده است، تمامی به اهل تسنن برگشت دارد و به طور حتم می‌توان گفت که در هیچ‌یک از کتب روایی و تاریخی شیعه ردپایی از این ادعا یافت نمی‌شود (آقابابایی، ۱۳۹۸، ص ۳۸).

البته ممکن است این اشکال مطرح شود که این مسئله در برخی از کتب روایی و تاریخی شیعه نیز وارد شده است. در جواب باید گفت:

اولاً: نقل‌های وارده در کتب روایی و تاریخی شیعه در این باره نیز به علت برگشت به منابع اهل تسنن فاقد وجهت و اعتبار است؛

ثانیاً: بزرگان علمای شیعه همانند سید مرتضی، شیخ طوسی، ابوالقاسم کوفی و همچنین احمد بکری و بلاذری از علمای اهل تسنن در تصانیف خود زیر بار این مسئله نرفته‌اند و عذراء بودن (باکره بودن) ام‌المؤمنین (سلام الله علیها) در حین ازدواج با نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) را مورد تأکید قرار داده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۱۹۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۹).

۳. ثروت

درباره ثروت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) شبهات زیادی مطرح می‌شود از جمله اینکه این ثروت از دو همسر قبلی ایشان به ارث رسیده است و اینکه یک زن جوان این همه ثروت را چگونه به دست آورده است؟ درباره ارث بردن ثروت از همسران قبلی ایشان، در شبهه بیوه بودن حضرت خدیجه پاسخ داده شد. اینکه آن حضرت در جوانی این ثروت را چگونه به دست آورده است، توضیحاتی در ادامه بیان می‌شود:

غالب مردم شهر مکه، به حرفه تجارت اشتغال داشتند و عزت و قدرت در آن شهر، از آن کسانی بود که ثروت و مکنت داشتند. تا جایی که آن‌ها برای رسیدن به ثروت از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند، حتی اگر به قیمت خوردن مال یتیم و ضعیف یا گرفتن ربا بود.

در چنین محیطی، اراده حق تعالی بر این بود که خدیجه کبری (سلام الله علیها)، ثروتمندترین فرد و با عظمت‌ترین شخصیت باشد، کسی که ثروتمندترین مرد مکه در خیال خود نیز به رقابت با وی نیندیشد. به دست آوردن ثروت امر خارق‌العاده‌ای نیست و نیاز به معجزه هم ندارد، بلکه آنچه که در تحصیل ثروت مهم است داشتن فکر و اندیشه اقتصادی است؛ زیرا چه بسا افرادی که از کانال ارث و... به ثروتی دست پیدا کردند، اما به واسطه نداشتن تدبیر و مهارت‌های اقتصادی نه تنها چیزی به ثروت خود نیفزودند، بلکه آنچه که داشتند را نیز از دست دادند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) تجربه و بینش بالایی در امر تجارت و به دست آوردن

ثروت داشتند. لذا روزبه‌روز به ثروت آن حضرت افزوده می‌شد تا جایی که او را در زمان جاهلیت به همین خاطر «بانوی قریش» نامیدند (تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۶). در ادامه عوامل مؤثر در افزایش ثروت بیان می‌شود:

۱،۳- قدرت مدیریت

حضرت خدیجه بانوی ثروتمندی بود که این ثروت عظیم، از مدیریت قوی ایشان سرچشمه می‌گرفت. ایشان با دقت در انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان با آگاهی از زمان و مکان، طوری تنظیم و تدبیر و برنامه‌ریزی می‌کرد که مورد تحسین کاروان بزرگ تجارته‌اش می‌بود. خدیجه (سلام الله علیها) از یمن به حجاز و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و تجاری می‌رفت و سود سرشار و عادلانه و فراوانی به دست می‌آورد.

اگر به شرایط آن روز جهان و دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن زمان آشنا باشیم، و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی‌اش را به یاد آوریم، و زنده به گور کردن دختران را بدانیم، آن‌گاه اداره امر مهم اقتصادی به وسیله یک دختر هوشمند و پاک‌منش و به مدیریت توانمند و ظریف ایشان، ما را به شخصیت و ویژگی معنوی و برجسته و ابتکار او در کارها و روح مدیریت و سازنده ایشان آشناتر می‌کند که واقعاً حضرت خدیجه در آن روزگاریها، خردمندترین و مدبرترین و کارآمدترین زنان بود (کرمی، ۱۳۹۶، ص ۵۲).

۲،۳- پرهیز از ربا و احتکار

خدیجه (سلام الله علیها) در تجارت خود از رسم رایج بازار آن زمان، یعنی احتکار و انحصار، کم‌فروشی و فریب، رباخواری و بهره‌کشی‌های ظالمانه رایج و هر نوع حرام‌خواری مرئی و نامرئی برای انباشتن ثروت دوری می‌کرد. ایشان کار پر شرافت خود را به این گناهان بزرگ آلوده نمی‌کرد و به کارگران و کارمندان و مدیران خود نیز هشدار می‌داد که دادوستد، سود و درآمد را با صداقت و هوشمندی و از راه‌های مشروع و عادلانه تجارت و صادرات و واردات و خدمت به کشور و ملت و تعهد و تخصص به دست آورند.

خدیجه (سلام الله علیها) به دلیل همین ویژگی‌های برجسته اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه، نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه‌ای را هم به دست آورده بود و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم باز می‌کرد. در نتیجه راه‌های موفقیت او بازتر می‌شد و مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و... قرار می‌گرفت (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۷۱).

۳،۳- دقت در انتخاب عوامل اجرایی

حضرت خدیجه در مدیریت اقتصادی خویش، همکاران و عوامل اجرایی را از میان انسان‌های سالم، امانت‌دار، درست‌کار، آزمون‌شده و ریشه‌دار به همکاری دعوت می‌کرد. ایشان از دفتر کارش، این کاروان عظیم تجارته را با سرانگشت نیرومند تدبیر و قدرت گره‌گشای مدیریت و درایت خویش به حرکت در می‌آورد و به کارهای اقتصادی خویش سامان می‌بخشید (کرمی، ۱۳۹۶، ص ۴۸).

۴،۳- اصل ایجاد انگیزه در کارکنان

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در روزگار فقدان درایت و مدیریت عادلانه و انسانی، از اصل ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می‌جست. پیامبر در مقام حق‌شناسی از بخشش و بزرگ‌منشی خدیجه در این راه چنین فرمود:

«ما رأیت من صاحبه لأجیر خیراً من خدیجه، ما کنا نرجع أنا وصاحبی إلا وجدنا عندها تحفه من طعام تخبائه لنا؛ من مدیر و کارفرمایی پرمهتر و حق‌شناس‌تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش را ندیدم. هرگاه من و دوستم پس از کار، نزد او می‌رفتیم، می‌دیدیم غذای گوارایی را که به اشاره او برای ما آماده شده بود، آن را به ما هدیه می‌کرد و با کارگزاران و زیردستان بزرگ‌منشانه و انسانی رفتار می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۰).

با توجه به عواملی که بیان شد، راز ثروت عظیم حضرت خدیجه مشخص می‌شود و شبهه ارث‌بردن از همسران قبلی ایشان رفع می‌شود. بدون هیچ تردیدی، سرمایه عظیم اقتصادی آن بانوی فداکار در پیشرفت اسلام و برپایی جامعه جدید نقشی اساسی داشت؛ چراکه اسلام در حال شکل گرفتن، نیاز به امکانات اقتصادی داشت. خدا بر اثر درست‌اندیشی و اخلاص خدیجه (سلام الله علیها)، این افتخار را به او داد که ثروتش را برای پیشرفت دین و آزادی انسان مهیا سازد. با تأمین نیاز اقتصادی پیامبر و مسلمانان همراه او در آن مرحله حساس، هدف پیامبر که برپایی عدالت و آزادی بود محقق شود. به همین جهت پیامبر فرمود: «ما نفعنی ما قط مثل ما نفعنی مال خدیجه؛ هیچ ثروتی، مانند ثروت خدیجه برای اهداف بلند من سودبخش نیفتاد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص ۶۳).

۴. جایگاه و مقام

بعضی از دشمنان اسلام در کتب تاریخی خود از کنار برخی از روایات که تأییدی بر مقام و منزلت حضرت خدیجه است، عبور کرده‌اند. به‌عنوان مثال یکی از تاریخ‌نویسان لقب «طاهره» را که از برجسته‌ترین القاب حضرت خدیجه (سلام الله علیها) است را تصریح نمی‌کند. این در حالی است که منابع تاریخی بسیاری تصریح کرده‌اند که حضرت خدیجه ملقب به طاهره بوده‌اند. همچنین در بعضی از منابع اهل سنت لقب «ام‌المؤمنین» که در قرآن به تمام همسران پیامبر اطلاق شده است را برای خدیجه (سلام الله علیها) به کار نبرده‌اند، اما برای

عایشه به کار برده‌اند. همچنین القاب ویژه حضرت خدیجه که پیامبر درباره ایشان بیان کرده‌اند را حذف کرده‌اند مانند: «افضل نساء اهل الجنة»، «خیر نساء العالمین»، «سیده نساء العالمین» و... (سلطانی، ۱۳۹۹، ص ۴۷ و ۴۸). لذا دشمنان تاریخ زندگی حضرت خدیجه را تحریف کردند تا کمی از مقام و منزلت ایشان را بکاهند و آن‌گونه که مطابق مصالحشان بود، ایشان را به مردم معرفی کنند.

علاوه بر این در منابع روایی اهل سنت حدیثی در منقبت عایشه از زبان خود او آمده است: «إن عائشة رضی الله عنها قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم یوما یا عائشه هذا جبریل یقرئک السلام فقلت وعلیه السلام ورحمة الله وبرکاته؛ عایشه می‌گوید: روزی رسول الله به من گفت: ای عایشه، این جبرئیل است که به تو سلام می‌رساند. من در پاسخ سلام جبرئیل به پیامبر گفتم: سلام و رحمت خداوند بر او باد» (عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۳۳، ح ۳۵۵۷). این روایت در دیگر کتب حدیثی معتبر مثل مستدرک الصحیحین در قسمت معرفه الصحابه، سنن ابی داوود، ابن ماجه، نسائی، صحیح بخاری، صحیح مسلم، و... نقل شده است و آن را دلیلی بر فضیلت عایشه می‌دانند. این در حالی است که پیامبر، سلام خداوند را بر خدیجه (سلام الله علیها) ابلاغ می‌کند (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۷۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۳۳). اهل سنت مقام و جایگاهی برای عایشه قائل هستند که هیچ زنی نمی‌تواند به او برسد. همچنین اهل سنت به عایشه لقب ام‌المؤمنین داده و در عمل نیز او را بر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) ترجیح می‌دهند.

منابع اهل سنت روایت دیگری را در منقبت عایشه آورده‌اند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود «من الرجال کثیر ولم یکمل من النساء إلا مریم بنت عمران و آسیه امرأة فرعون وفضل عائشة علی النساء کفضل الثرید علی سائر الطعام؛ مردان زیادی به تکامل رسیده‌اند، در حالی که از بین زنان، تنها مریم بنت عمران و آسیه همسر فرعون کامل هستند و برتری عایشه بر دیگر زنان، مثل برتری آب گوشت بر غذاهای دیگر است» (بخاری، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۷۴، ح ۳۵۵۸؛ عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۳۴، ح ۳۵۵۸۴).

در حالی که در کتاب‌های حدیثی شیعه و اهل سنت آمده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «خیر نساء العالمین اربع، مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه؛ بهترین زنان جهانیان چهار زن هستند: مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه» (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۳۷).

به تصریح علمای اهل تسنن، عایشه بارها باعث اذیت و آزار پیامبر شده بود. او بعد از شهادت پیامبر اسلام به جنگ با امیرالمؤمنین (علیه السلام) برخاست. همچنین دستور تیرباران پیکر مطهر امام حسن (علیه السلام) را داد. با این اوصاف، چگونه می‌شود که پیامبر سلام خدا به عایشه را رسانده باشند و او را یکی از چهار زن بهشتی معرفی کرده باشند!

بنابراین منافقان تا جایی که توانستند فضائل و مناقب حضرت خدیجه را حذف کردند. از طرفی دیگر همین فضائل را به دیگران نسبت دادند تا از فروغ خدیجه (سلام الله علیها) در نزد عامه مردم بکاهند و مردم را به طرف دیگران متمایل سازند.

اما منابع تاریخی معتبر خدیجه را بانویی شریف، ثروتمند و دارای اعتبار در روزگار خود معرفی کرده‌اند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۸۱). در روایتی از پیامبر، سرور زنان جهان خدیجه (سلام الله علیها)، فاطمه (سلام الله علیها)، مریم و آسیه معرفی شده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۹). همچنین پیامبر، خدیجه را از زنان کامل در جهان (همان) و نیز از بهترین زنان معرفی کرده است (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۶۰).

در منابع اسلامی، از خدیجه با القابی همچون طاهره، زکیه، مرضیه، صدیقه، سیده نساء قریش (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۵)، خیرالنساء (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۳) و بانوی بلندمرتبه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹) و نیز با کنیه ام المؤمنین یاد شده است (سیلاوی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۴).

همچنین گزارش‌های متعددی درباره جایگاه خاص خدیجه نزد پیامبر وجود دارد. در منابع آمده است که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بهترین و صادق‌ترین وزیر، مشاور و مایه آرامش پیامبر (ص) بود (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱). پیامبر سال‌ها پس از درگذشت خدیجه، به یاد او بود و بی‌نظیر بودنش را مطرح می‌کرد. هنگامی که عایشه به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) گفت خدیجه بیش از همسری مسن برای تو نبود، پیامبر بسیار ناراحت شد و با ردّ این سخن گفت: «خداوند هیچ‌گاه برایم همسری بهتر از او جایگزین نکرد، او مرا تصدیق کرد هنگامی که هیچ‌کس مرا تصدیق نکرد، یاری‌ام کرد در زمانی که هیچ‌کس مرا یاری نکرد، از اموالش در اختیارم قرار داد، زمانی که همه، اموالش را از من دریغ کردند» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۸۲۴).

۵. اسلام آوردن

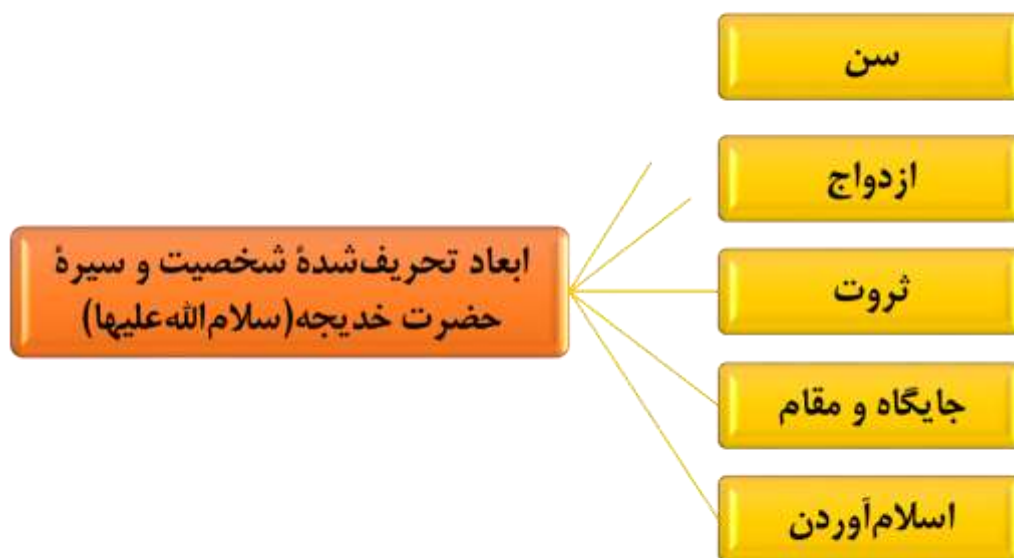
مورخانی همچون بلاذری (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۷۱) و ابن سعد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۵) در قرن سوم، ابن عبدالبر در قرن پنجم (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۴۶) و ابن خلدون در قرن هشتم (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۴۱۰)، حضرت خدیجه را اولین مسلمان معرفی کرده‌اند. همچنین برخی مورخان اجماع مسلمانان را بر این دانسته‌اند که حضرت خدیجه اولین ایمان‌آورنده به پیامبر اسلام بوده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۵۷).

منابع همچنین خدیجه (سلام الله علیها) و علی (علیه السلام) را اولین ایمان‌آوردگان به اسلام برشمرده‌اند (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۸۸). همچنین در این منابع به پیشگامی خدیجه به همراه علی (علیه السلام) در

برپایی نماز به همراه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) اشاره کرده و آنان را اولین نمازگزاران در اسلام معرفی کرده‌اند (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۷۸).

نتیجه‌گیری

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بانوی شریف و بی‌نظیری بودند که یار و حامی پیامبر اکرم در راه اعتلای اسلام ناب بودند. دشمنان اسلام به دلایل متعدد دست به تحریف زندگی ایشان زدند؛ تحریفاتی در زمینه سن، ازدواج، ثروت، جایگاه و مقام. این تحریفات در تغییر جایگاه و مقام ایشان در جامعه، تأثیرگذار بود؛ لذا بر پیروان راستین این بانوی بزرگوار لازم است این شبهات را بررسی کرده و با دلیل معتبر پاسخ‌گو باشند و مقام و جایگاه واقعی ایشان را به مؤمنین معرفی کنند تا قدمی در راه مهاجوریت‌زدایی ایشان برداشته شود.



(جدول شماره ۱: ابعاد تحریف‌شده شخصیت و سیره حضرت خدیجه)

منابع

• قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹ق)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، ج ۶، بیروت، دارالفکر.
۲. ابن الأثیر، عز الدین، (۱۴۱۵هـ)، *أسد الغابه فی معرفه الصحابه*، المحقق: علی محمد معوض - عادل أحمد عبد الموجود، ج ۵، الناشر: دار الکتب العلمیه الطبعه.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *تاریخ ابن خلدون*، (۱۴۰۸ق)، ج ۲، مؤلف: ابن خلدون ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مترجم: عبدالمحمد آیتی زبان: فارسی رده بندی دیوبی: ۹۰۹،۰۹۱۷۶۷ سال چاپ: ۱۳۸۸ نوبت چاپ: ۲ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
۴. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، *المناقب*، قم: علامه.
۶. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، (۱۴۱۲ق)، *الاستیعاب فی معرفه الأصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، ج ۴، چ ۱، بیروت: دار الجیل.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ق)، *البدایه و النهایه*، ج ۳، بیروت: دار الفکر.
۸. ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، (۱۳۸۵ق)، ج ۲، بیروت: دار صادر.
۹. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، ج ۲، مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
۱۰. آقابابایی، مهدی، (۱۳۹۸)، *تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام*، اصفهان، نورالهیات.
۱۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۴ق)، *التاریخ الکبیر*، تحقیق سیدهاشم ندوی، الفصول المختاره، تحقیق سیدعلی میرشریفی، بیروت: دارالمفید.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، *جمل من انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، چ ۱، بیروت: دار الفکر.
۱۳. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۰۵ق)، *دلائل النبوه*، تحقیق عبد المعطی قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۴. تهرانی، حسین، (۱۳۹۵)، *محبوبه المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم*، چ ۲، انتشارات طوبای محبت.
۱۵. سلطانی، مجتبی، (۱۳۹۹)، *سیمای حضرت خدیجه در تاریخ نگاری متقدم سنی*، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۳۱.

۱۶. سیلاوی، الشیخ غالب، ۱۴۲۴ق، الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة، قم: محلاتی.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم و الملوك، تحقیق: محمدأبوالفضل ابراهیم، چ ۲، بیروت: دار التراث.
۱۸. عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۱۵ق)، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، بیروت: دار الهادی.
۱۹. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، (۱۴۰۷ق)، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج ۷، دارالریان للتراث.
۲۰. علامه مجلسی، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، ج ۱۰۰، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۲۱. قمی، عباس، (۱۴۱۴ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الأنوار، ج ۱، چ ۱، قم: اسوه.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۰۰، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲۳. مقریزی، احمد بن علی، (۱۴۲۰ق)، امتاع الاسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، تحقیق: محمد عبد الحمید النمیسى، ج ۵ و ۱۵، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۴. نبوی، سید مجید، غزالی اصفهانی، علی، (۱۳۹۰)، خدیجه (سلام الله علیها) مادر مؤمنان، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.